

کارکردهای سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه *

محمدعلی نجفی^۱

چکیده

از زمان نخستین جامعه بشری تا شکل‌گیری دولت‌های مدرن، اندیشه سامان‌بخشی به حیات اجتماعی - سیاسی و تنظیم روابط میان فرمانروایان و فرمانبرداران از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است. نظام‌های سیاسی اسلام و حکومت‌های برآمده از آن دارای برخی مختصات هندسی و ویژگی‌های منحصر به فرد است که هرچند به تدریج در طی زمان شکل گرفته‌اند، فهم کامل، شکل و ساخت آنها عمدتاً نیازمند درک نظریه‌های کلامی و فقهی است که در آن هندسه و خصوصیات مندرج هستند. بررسی منطقی و بنیاد آرای سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه از یک سو به دلیل تنوع آثارش در سنت‌های مختلف اندیشه اسلامی مانند؛ فقه، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر و عرفان و از سوی دیگر به ویژه به دلیل تلاش و موفقیت ایشان در تاسیس یک حکومت دینی اهمیت بسیاری در مطالعات اندیشه سیاسی اسلام دارد. پرسش اساسی نوشته حاضر این است که نگاه امام خمینی رحمته الله علیه به مفهوم سیاست چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های کارکردی - جامعه‌شناختی ایشان در حوزه سیاست که منجر به شکل‌گیری حکومت دینی شده است، چه می‌باشد؟ روش به کار رفته در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی است که با رجوع به منابع دسته اول (صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه و دیگر آثار ایشان) و منابع دسته دوم (کتاب و مقالات تفسیری) انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین کارکردهای سیاست از منظر حضرت امام خمینی رحمته الله علیه عبارتند از: تربیت و تزکیه (جامعه‌پذیری)، ظلم‌ستیزی، توجه به حیات و سعادت اخروی انسان، همزیستی مسالمت‌آمیز، وحدت امت اسلام و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی (حکومت دینی).

واژگان کلیدی

امام خمینی رحمته الله علیه، سیاست، کارکرد، اندیشه سیاسی، حکومت دینی.

مقدمه

از زمان نخستین جامعه بشری تا شکل‌گیری دولت‌های مدرن، اندیشه سامان‌بخشی به حیات اجتماعی - سیاسی و تنظیم روابط میان فرمانروایان و فرمانبرداران از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است (کرونر، ۱۹۶۴م: ۱۴۳) این اندیشه، به تبع تفکرات و طرز تلقی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۹

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی (دانشگاه حکیم سبزواری) و طلبه پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه واحد مشهد.

اندیشمندان از رابطه فرمانروا و فرمانبردار، گونه‌های متعددی را تجربه کرده است. این اندیشه تنظیم‌گر در دنیای اسلام نیز در نظرگاه متفکران مسلمان به واسطه تکیه بر اصول و آموزه‌های دین اسلام، شکل مخصوص به خود را داراست و نظام‌های سیاسی متناسب با نیازها و الزامات فرهنگی خود را ساخته و می‌سازد. نظام‌های سیاسی اسلام و حکومت‌های برآمده از آن دارای برخی مختصات هندسی و ویژگی‌های منحصر به فرد است که هرچند به تدریج در طی زمان شکل گرفته‌اند، فهم کامل، شکل و ساخت آنها عمدتاً نیازمند درک نظریه‌های کلامی و فقهی است که در آن هندسه و خصوصیات مندرج هستند (فیرحی، ۱۳۸۳ش: ۱). در نتیجه با توجه به وضعیت جوامع اسلامی و اهمیت این نظریه‌ها در تغییر و دگرگونی‌ها، ضرورت بررسی‌شان به ویژه آن نظریاتی که همگام با زمان و بلکه فراتر از آن مطرح هستند را دوچندان می‌کند.

با استقرار آیت‌الله بروجردی در قم (اواخر سال ۱۳۲۳ش) و رسیدن وی به مرجعیت شیعیان (سال ۱۳۲۵ش) حوزه علمیه قم جایگاه ممتازی یافت. در طول ۱۵ سال مرجعیت عامه آیت‌الله بروجردی، ایران صحنه حوادث و کشمکش‌های سیاسی بزرگی بود، اما سیاست رسمی وی مداخله نکردن در سیاست بود. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی (فروردین ۱۳۴۰ش) چند نفر به عنوان مرجع تقلید مطرح شده‌اند که امام خمینی رحمته‌الله علیه یکی از آنان بود. در اواخر همین دهه بود که درس‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه پیرامون مسئله ولایت فقیه (که در اصل مسئله کلامی است) با عنوان حکومت اسلامی، به وسیله مبارزان اسلامی در ایران منتشر شد و در محافل اسلامی موجی برانگیخت (عباسی و قائمی‌نیا، ۱۳۸۹ش: ۸۸). بی‌شک وی برجسته‌ترین اندیشمند دینی معاصر است و در گستردگی و عمق نظرات ایشان همین بس که منبع الهام و استقرار یک نظام سیاسی - اجتماعی مبتنی بر دیانت بوده است. امام رحمته‌الله علیه اسلام را دین جامع و جاودان که احکام آن دربرگیرنده همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی در همه زمان‌هاست، معرفی می‌کند و در وصیت‌نامه خویش می‌فرماید:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده‌ای الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود در دنیا و آخرت را به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته‌ای ولو ناچیز که در تربیت انسان‌ها، جامعه، پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل برای اجتماع و فرد را گوشزد نموده و در جهت رفع آنها کوشیده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸ش:

اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه متأثر از ابعاد مختلف اندیشه‌های ایشان در حوزه‌های عرفانی، فقهی، فلسفی و کلامی است. همچنین ایشان متفکری بود که در حوزه‌های گوناگون اسلامی اشراف داشت؛ این ویژگی‌ها از ایشان شخصیتی جامع‌الاطراف با اندیشه‌های عمیق و ماندگار ساخته بود. چنان که می‌توان نوعی نظام اندیشه‌ای منسجم، جامع، منطقی و مرتبط به هم را در آثار مختلف ایشان یافت (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸ ش: ۱۸). به همین جهت پرسش اساسی نوشته حاضر آن است که نگاه امام خمینی رحمته الله علیه به حکومت و سیاست چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های کارکردی - جامعه‌شناختی ایشان در حوزه سیاست که منجر به شکل‌گیری تمدن اسلامی (حکومت دینی) شد، چه می‌باشد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از مهم‌ترین عناصر کلیدی در هر اندیشه، واژگان آن اندیشه است. در مواجهه اندیشه‌ها، هرگاه اندیشه‌ای بتواند مفاهیم اصولی و حیاتی خود را در قلمرو زیست و زندگی اندیشه دیگر وارد کند پیروز خواهد شد و تفکری که نتواند مفاهیم اصلی و پایه خود را حفظ کند محکوم به فنا و نابودی است (پارسانیا، ۱۳۸۳ ش: ۱۴۶). در اسلام، اصول دینی و مبانی سیاست با یکدیگر درآمیخته و کل واحد و تجزیه‌ناپذیری را پدید آورده‌اند. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرموده است: «دین و دولت توامانند». پیداست که در چنین حالتی گفتگو از سیاست جدا از شریعت اسلام کار دشواری است. زیرا مباحث سیاسی با دیگر فصول شریعت آمیخته است (عنایت، ۱۳۷۷ ش: ۱۰۲). از این رو شناخت درست و جامع اندیشه‌های سیاسی در اسلام منوط به پژوهش در کلام، فلسفه، فقه، عرفان و... است. بررسی منطقی و بنیاد آرای سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه از یک سو به دلیل تنوع آثارش در سنت‌های مختلف اندیشه اسلامی مانند؛ فقه، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر و عرفان و از سوی دیگر به ویژه به دلیل تلاش و موفقیت ایشان در تأسیس یک نظام سیاسی اهمیت بسیاری در مطالعات اندیشه سیاسی ایران و اسلام دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی است که با رجوع به منابع دسته اول (همچون *صحیفه امام خمینی* و دیگر آثار ایشان) و منابع دسته دوم (همچون کتب و مقالات تفسیری) انجام شده است که محقق علاوه بر توصیف و تشریح مسئله مورد نظر

به تجزیه و تحلیل آن مسئله نیز می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در زمینه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه انجام شده است که مهم‌ترین تحقیقات انجام گرفته قابل دسترسی درباره این موضوع به شرح زیر است:

- آوات عباسی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان: «مبانی تاسیس سیاست و گذار به جامعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه» منطق و بنیاد آرای سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه را از دیدگاه سیاسی تبیین کرد. در این پژوهش پس از تبارشناسی مبانی نظری - سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در تاریخ فقهی و سیاسی شیعی، نشان داده شده این نظریه بر پایه دیدگاه معرفت‌شناسی، جهان بینی، انسان‌شناسی و سعادت‌شناسی ایشان طرح شده است.

- مهدی طاهری و ابوالفضل غفاری (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان: «مقایسه مبانی معرفتی نسبت دین و سیاست از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه با نگرش غیرسیاسی» می‌کوشد تا نگرش جامع حضرت امام رحمته‌الله‌علیه را در مورد پیوند دین و سیاست در مقایسه با دیدگاه‌های غیرسیاسی، براساس مبانی معرفتی، کلامی، فلسفه فقهی و فلسفه سیاسی توضیح دهد. در این نوشته حداقل دو نگرش سنتی و سیاسی وجود دارد. نگرش سنتی به تفکیک دین از سیاست و نگرش سیاسی به پیوند دین با سیاست تأکید می‌کنند.

- شیرخانی و سبزی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان: «دانش سیاسی در منظومه فکری امام خمینی رحمته‌الله‌علیه» به بررسی رابطه سیاست و دانش مربوط به آن از دیدگاه رهبر فقید انقلاب می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نوع نگاه امام رحمته‌الله‌علیه به سیاست و دانش منبعث از آن، برخلاف دیدگاه‌های غربی تک‌ساحتی و صرفاً مادی نیست، بلکه برای سیاست ابعاد دنیوی و اخروی ترسیم می‌کند که قادر باشد سعادت انسان‌ها را در کلیه حیات آنها به ارمغان آورد.

- زمانی محبوب (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان: «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه» به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاسی شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی بر پایه نگره امام خمینی رحمته‌الله‌علیه پرداخته است. نتایج نشان داده که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی برای تمدن، تمدن اسلامی را جامعه‌ترین تمدن‌ها دانسته و بر ضرورت توجه به دین اسلام، پیوند بین دیانت و سیاست، تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه، استقلال و نفی سلطه بیگانگان و... به عنوان بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی، تأکید دارد.

تعریف مفاهیم

ابتدا باید مهم‌ترین متغیرهای تحقیق را هم به لحاظ لغوی و هم به لحاظ اصطلاحی مورد بررسی قرار داد.

۱. سیاست^۱

واژه سیاست از ریشه ساس - یسوس به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن حکومت، پرداختن به امور مردم براساس مصالح شان، نگه داشتن ملک و حراست است (معین، ۱۳۷۲ش: ۱۳۸۲). سیاست مفهومی است که از دیرباز در اندیشه بشری وجود داشته است و از آن تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی انجام شده است. کوشش برای کسب قدرت (آرون، ۱۳۶۶ش: ۱۵) مدیریت و تصمیم‌گیری (عبدالحمید، ۱۳۶۵ش: ۱۵) مدیریت، توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول (جعفری، ۱۳۶۹ش: ۴۷) تعریف شده است. گروهی سیاست را به عنوان ابزاری که می‌تواند قدرت و امکانات را متناسب سازند، معرفی کرده‌اند (دوورژه، ۱۳۴۹ش: ۱۲۹). شالوده اصلی تعریف سیاست میان اندیشمندان علم سیاست را مبارزه برای کسب، حفظ، بسط قدرت و نفوذ در جامعه دانست (راسل، ۱۳۷۶ش: ۴۵). ولی اگر بخواهیم تعریف جامعی از سیاست ارائه دهیم، می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

سیاست رهبری و مدیریت روابط میان افراد، گروه‌ها، احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومت داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است که در نگاه متفکرین و سیاستمداران بر مبنای عوامل مختلفی مثل کیفیت قدرت، ماهیت قدرت، تمرکز و یا عدم تمرکز قدرت و... تقسیم‌بندی می‌شود (عالم، ۱۳۸۱ش: ۳۶).

نگرش امام خمینی علیه السلام به مفهوم و معنای سیاست، مرتبط با نگرش او به مسائلی چون شناخت هستی و انسان، ابعاد وجودی او ضرورت راهیابی اش به سوی سعادت راستین و حقیقی از طریق تهذیب، سلوک و تزکیه، ضرورت تعلیم و تربیت، ارتباط انسان با سایر انسان‌ها، برخورداری از یک سرنوشت مشترک جمعی و در نتیجه بروز و ظهور سیاست در بین انسان‌ها و در مدینه یا جامعه بشری است. بنابراین در نگرش امام سیاست همان: «راه بردن جامعه به موازین عقل، عدل و انصاف است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۲۱، ۴۰۵). از این منظر در گسترده‌ترین معنا سیاست عبارت است از: اداره امور عمومی جوامع بشری یا به بیانی

1. politics

دیگر، امور سیاسی و تعیین جهت مسائل سیاسی کشور با شرکت تمام افراد جامعه، برای بهره‌مندی از حقوق حقه خود است (شیرخانی و سبزی، ۱۳۹۵: ش: ۴۸).

۲. اندیشه سیاسی^۱

اندیشه در لغت؛ به معنای تفکر، فکر و تأمل می‌باشد (معین، ۱۳۷۲: ش: ۳۷۷). اگرچه کاربرد مفهوم اندیشه سیاسی را متعدد ذکر کرده‌اند؛ ولی در این جا به معنای مجموعه‌ای از آراء و عقاید است که به شیوه‌ای عقلانی، منطقی و مستدل درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۳: ش: ۱۶). اندیشه سیاسی، به مجموعه‌ای از آراء و عقاید در حوزه سیاسی اطلاق می‌شود که دارای اهداف معقول بوده و با تعیین ابزارهای لازم جهت دستیابی به اهداف قابل تحقق، از یک انسجام و منطق درونی برخوردار است (سلمان، ۱۳۹۰: ش: ۴۱). در تعریف ریمون آرون^۲ از اندیشه سیاسی آمده است:

اندیشه سیاسی عبارت است از تلاش برای مشخص کردن اهدافی که در حد معقولی احتمال تحقق دارند و همچنین تعیین ابزارهایی که به میزان معقولی انتظار می‌رود که موجب دستیابی به آن اهداف شود.

و لئوی شتراوس^۳ معتقد است که:

منظور ما از اندیشه سیاسی تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آنهاست و منظور از رای سیاسی؛ خیال، وهم و یا هر امر دیگری است که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست مرتبط باشد (بهداروندایانی، ۱۳۸۹: ش: ۱۶۰-۱۶۱).

اگر اندیشه سیاسی را براساس هر یک از مبانی فلسفی، فقهی و اخلاقی مطرح شود. به ترتیب فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی نامیده می‌شود (فوزی، ۱۳۸۴: ش: ۱۴). در واقع اندیشه سیاسی الگویی برای رسیدن به وضع مطلوب (مدینه فاضله)^۴ از نظر هر اندیشمندی است (لک‌زایی، ۱۳۸۴: ش: ۲۰).

1. Political thought
2. Raymond Aron
3. Lowey Strauss
4. Utopia

سنخ‌شناسی سیاست

از نظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سیاست تابعی از فقه اسلامی است که با تأکید بر نصوص دینی و منابع چهارگانه، توسط مجتهدین استنباط می‌شود. استنباط احکام سیاسی توسط مجتهدین در خلاء اتفاق نمی‌افتد، بلکه از تصادم نصوص اسلامی با عمل ایجاد می‌شود (یوسفی فخر، ۱۳۸۹ش: ۲۰۶). امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نیز براساس نگرش خود نسبت به جهان هستی و جایگاه انسان در آن و نقشی که به او محول شده و هدفی که سیاست معطوف به آن است به تقسیم‌بندی یا بیان انواعی از سیاست می‌پردازد:

الف) سیاست شیطانی: اولین نوع سیاست را می‌توان سیاست شیطانی نامید که در آن حکام تنها به فکر منافع خود هستند و توجهی به رفاه، زندگی و آسایش مردم ندارند و در سیاست امروز به چنین حکامی، دولت‌های غارتگر گفته می‌شود. حضرت امام رحمته‌الله‌علیه حکومت پهلوی را مصداق بارز چنین سیاستی می‌دانستند. چنین سیاستی در نگاه حکیمان مسلمان نیز به سیاست ضاله، جاهلیه یا سیاست ردیلت و جز آن معروف شده است چه یا مبتنی بر جهل است یا مبتنی بر آگاهی ناقص و لذا ضلالت و گمراهی و این هر دو از مظاهر شیطانی نگرش و کنش می‌باشد و سیاست حاصل از آن نیز شیطانی و فاسد است.

ب) سیاست حیوانی: نگاه دوم سیاست حیوانی است که حکام و سیاست‌مداران به دنبال رساندن مردم به لذت‌های دنیایی هستند و توجهی به ارزش‌های متعالی ندارند و اعمال سیاست‌ها تنها بر مبنای اداره زندگی روزمره مردم است. در این نوع سیاست جنبه‌های مثبت این جهانی وجود دارد و هدف آن تأمین مصالح عمومی و اجتماعی است ولی توجهی به بعد روحانی و معنوی وجود انسان و تأمین سعادت او در جهان آخرت که سعادت راستین است، ندارد. بنابراین در پی تأمین سعادت محض این جهانی در قالب رفاه، راحتی، امنیت محض و امثال آن هستند.

ج) سیاست الهی: نگاه سوم به سیاست را می‌توان سیاست الهی نامید. در این نوع سیاست زمامداران جامعه نه تنها به دنبال سعادت و خوشبختی زندگی دنیوی مردم هستند، بلکه هدف اصلی و نهایی آنها در سیاست، سعادت و کمال اخروی (بعد از مرگ مردم) است. این نوع سیاست در حقیقت سیاستی است که بر مبنای دین و رضایت خداوند به اداره امور مردم می‌پردازد و در تعالیم دینی از شئون کار انبیاء محسوب شده است (میرعابدینی و گودرزی، ۱۳۹۲ش: ۸). چنین سیاستی مطلوب و مورد توجه کامل امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است، چه به تحقق عدل و قسط و برقراری جامعه توحیدی و دفع شر و فساد در جهان می‌انجامد و در

بند اهداف فردی، گروهی یا واقعیاتی خلاصه نمی‌شود. در نگاه امام خمینی رحمته الله علیه این نوع سیاست را هرکس نمی‌تواند در جامعه تحقق بخشد بلکه تنها عده‌ای قلیل از انسان‌ها با ویژگی‌های خاص هستند که این توانایی را در خود دارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱۳، ۴۳۲).

در مجموع، امام با تفکیک سه نوع سیاست شیطانی (ظالمانه و مبتنی بر خدعه و نیرنگ)، سیاست یک بعدی (عادلان و مبتنی بر سعادت دنیوی انسان) و سیاست الهی (عادلان و مبتنی بر سعادت دنیوی و اخروی انسان)، بر این نکته تأکید دارد که تنها در ذیل سیاست اخیر امید می‌رود که انسان بتواند در صراط مستقیم مورد نظر قرآن گام بردارد (درویشی، ۱۳۸۹ ش: ۶۹).

کارکرد

محوری‌ترین مفهوم در کارکردگرایی^۱ واژه «کارکرد» است. کارکرد، معادل واژه (Function) دارای استعمالات گوناگون است، Function از ریشه لاتینی Functio به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده و در فارسی معادل‌هایی چون: نقش، عمل، خدمت، شغل یافته است. به گونه‌ای که دست‌یابی به معنای دقیق کارکرد تنها از طریق قرار دادن آن در نظام معنایی سخن میسر می‌گردد. چنانچه این اصطلاح در ریاضی به معنی «تابع»، در زیست‌شناسی به معنی «فعالیت» یا «منشأ چیزی بودن». در نظریه تعادل، زمانی که کارکردی انطباق با نظام اجتماعی داشته باشد، یا نیازهای اساسی را پاسخ دهد کارکرد مطلوب و در حالت عکس کارکرد نامطلوب خوانده می‌شود. در ادبیات علوم اجتماعی کارکرد به معانی مختلف استعمال شده است: اثر و نقش، وظیفه، معلول، عمل، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و حاصل از جمله این کاربردهاست. اگرچه در اکثر موارد، این معانی مکمل یکدیگرند، اما در زمینه‌های مختلف معانی آنها متفاوتند. علی‌رغم تعدد استعمال کارکرد، عام‌ترین معنای آن در جامعه‌شناسی نتیجه و اثر است که انطباق^۲ یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط، فراهم می‌نماید. بنابراین، معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقاء و انسجام نظام اجتماعی^۳ دارد (توسلی، ۱۳۷۶ ش:

1. Functionalism
2. Adaptation
3. Coherence of the social system

یافته‌های تحقیق

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد هستند، برابر با احتیاجات بشر و مقامات سه‌گانه انسانی، تمامی علوم دارای سه قسم هستند؛ اول: علمی که راجع به کمالات عقلیه و وظایف روحیه است (فلسفه سیاسی)؛ دوم: علمی که راجع به اعمال قلبیه و تذهیبات باطنیه و وظایف آن است (فقه سیاسی)؛ سوم: علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است (اخلاق سیاسی). وی معتقد است که آثار هریک از سه مقام یاده شده به دیگری سرایت می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۱ش: ۶۹) یعنی اندیشه امام در ابعاد فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی در پی تحقق یک هدف مشترک است (افروغ، ۱۳۹۰ش: ۷۸-۸۱). بنابراین در تحلیل اندیشه سیاسی امام لازم است به این نگاه جامع، منظومه‌ای و کل‌گرایی که منبعث از حکمت متعالیه است، توجه کرد؛ در واقع، غفلت از این نکته در اندیشه امام، ناتمام بوده و نسبت آن به امام ناروا تلقی می‌شود. به نظر امام انسان کامل، بدون رعایت لوازم، سه قسم (فلسفه، فقه و اخلاق) یاد شده محقق نمی‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ۳۷۳). دیدگاه امام در مورد دلایل، چگونگی و غایت ورود به جامعه سیاسی^۱ و تاسیس سیاست بر پایه دیدگاه جهان بینی، معرفت شناسی،^۲ انسان شناسی^۳ و سعادت شناسی^۴ ایشان طراحی شده است. مع الوصف می‌توان مهم‌ترین گزاره‌های کارکردی سیاست در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه را این‌گونه برشمرد:

۱. تربیت و تزکیه اجتماعی (جامعه‌پذیری)

جامعه‌پذیری^۵ فرآیندی است که به واسطه آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی و گروهی را کسب می‌کنند و افراد به وسیله آن خود را با ساختارهای «هنجاری»^۶ جامعه انطباق می‌دهد (گولد و کولب، ۱۳۷۶ش: ۱۰). در حوزه جامعه‌پذیری دین نیاز است دو دسته از مفاهیم، آموزش داده شوند: دسته اول اعتقادات

1. Political community
2. Epistemology
3. Anthropology
4. Happiness
5. Socialization
6. Normative

مذهبی نام برد؛ مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی را در برمی‌گیرد و هدف آن ایجاد تصویری در ذهن است که احساسات فردی و جمعی هویت را در کنشگر تقویت می‌کند. دسته دوم را می‌توان در قالب شعائر دسته‌بندی کرد. شعائری که معطوف به رفتارهای اخلاقی^۱ و هم معطوف به رفتارها و کنش‌های دینی است (میرعباسی، ۱۳۹۴ش: ۷۶-۷۷).

تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی از دوران باستان تاکنون، مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. در دیدگاه افلاطون و ارسطو، سیاست براساس اخلاق و تربیت در خدمت انسان بوده و موضوع سیاست را تربیت می‌دانستند (ارسطو، ۱۳۷۸ش: ۷۰-۸۰). از منظر امام خمینی رحمته‌الله علیه، شناخت انسان، ریشه و اساس همه شناخت‌هایی است که به نوعی به انسان و همه مناسبات او برمی‌گردد، تا انسان شناخته نشود، سیاست و امور سیاسی، حکومت و مسائل حکومتی، دولت و رفتارهای مدیریتی به درستی شناخته نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸ش: ۱۳۳). از دیدگاه امام جامعه و سیاست خوب آن است که «شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افرادی مؤمن و بافضیلت فراهم شود» و «علاوه بر امور مادی به معنویت، حفظ و گسترش آن توجه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۴، ۲۰). از دیدگاه امام، انسان موجودی است که بالقوه توانایی و استعداد شدن و رسیدن به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی را داراست. ضرورت انبیاء و رسولان الهی نیز به همین مسئله، یعنی تکامل‌پذیری و تکامل‌طلبی انسان باز می‌گردد. ولی اگر در حدود طبیعی و زیست مادی، چون سایر موجودات بود نیازی به آمدن رسولان، تذکر و ابلاغ پیام الهی نیز نبود (جمشیدی، ۱۳۸۴ش: ۱۶۴). به گونه‌ای که هدف تشکیل حکومت اسلامی تحقق تربیت انسان کامل و همه‌جانبه است و سیاست جز جدایی‌ناپذیر این نظام فکری است، زیرا برای پرورش چنین انسانی و تحقق چنین تربیتی براساس دین توحیدی نیاز به حکومتی است که به دنبال تحقق چنین اهدافی باشد و امام سیاست را به عنوان راهبری انسان و جامعه در مسیر هدایت الهی می‌دانست (سلحشوری و دیگران، ۱۳۹۱ش: ۱۱۶).

عنصر تزکیه در قاموس سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ امام بیان می‌فرمودند که رژیم‌های فاسد درصدد از بین بردن تربیت و تزکیه انسان‌ها هستند. بر همین اساس بارها توصیه می‌فرمودند که با اقتباس و پیروی از قرآن کریم، باید در محیط‌های آموزشی، چون حوزه، دانشگاه و مدارس تزکیه بر تعلیم مقدم باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش:

۴۹۶). امام خمینی رحمته الله علیه در بیانی شیوا که از عمق جان ایشان نشات می‌گیرد و شاید خلاصه تمام عرفان او باشد می‌فرماید:

همه اختلافاتی که در بشر است برای این است که تزکیه نشده است. غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر تزکیه بشوند طغیان پیش نمی‌آید ﴿کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی﴾^۱ اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود، این اختلافات برداشته می‌شود (همان: ۳۹۱).

مبانی جامعه‌شناختی^۲ امام، در راستای نگرش انسان‌شناسانه و هستی‌شناسانه^۳ ایشان قرار دارد. فلسفه تشکیل اجتماع و اوج تکاملی آن یعنی جامعه سیاسی و تشکیل حکومت و کارکرد سیاست، چیزی نیست جز به فعلیت رساندن استعدادهای خدادادی انسان در چارچوب و هماهنگی با نظام خلقت و هستی احسن و اکمل موجود. به نظر امام برقراری نظام سیاسی غیراسلامی، به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است و نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز بوده و حاکمش طاغوت است و در نظام شرک‌آلود و طاغوتی، نمی‌توان زمینه تربیت افراد مؤمن و بافضیلت را فراهم کرد (اکبری معلم، ۱۳۹۴: ش: ۶۷).

۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی

گرچه امام در زمینه سیاست کتاب مستقلی ندارد؛ اما در خصوص حکومت که مهم‌ترین موضوع سیاست است، کتاب‌های *ولایت فقیه*، *البیع* و *کشف الاسرار* مبحث مبسوطی ارائه کرده است. حضرت امام از جمله عارفانی است که در عمل توانست از زاویه عرفان به سیاست بنگرد و در آن تغییرات اساسی ایجاد کند. تجلی بینش عرفانی امام در سیاست، در عبارت‌های وی نمودار است. برای نمونه آن‌گاه که از وضعیت مظلومان و مستضعفان جهان سخن می‌گوید قدم اول در بهبود وضع آنها را، همانند حرکت سیر و سلوک عرفانی، یقظه و بیداری تعبیر می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ش: ۳۸۲).

ایدئولوژی اسلامی^۴ امام خمینی رحمته الله علیه یک ایدئولوژی صرفاً اسلامی نیست، بلکه برآیند تاریخ ایران، شرایط و دیگر انگاره‌ها است. جهان بینی امام خمینی رحمته الله علیه استوار بر جنگ قدرت میان

۱. علق: ۶.

2. Sociological
3. Ontologically
4. Islamic ideology

مستضعفان و مستکبران است. از دید ایشان جهان صحنه نبرد همواره دو جبهه حق و باطل بوده است. در این آورد، جبهه باطل همواره می‌کوشد تا با سست کردن بنیادهای اعتقادی مردم جهان را به زیر سلطه خویش کشد، اما پیروزی نهایی با جبهه مستضعفان است و خداوند وعده داده است که آنان را وارثان خود بر روی زمین قرار دهد:

باید این نهضت - مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدا و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف باشد... وعده الهی که مستضعفان را شامل است، می‌فرماید که ما منت بر سر مستضعف می‌نهیم که آنها امام بشوند در دنیا و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت حق مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند؛ مستکبرین باید از میدان خارج شوند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۷، ۲۹۲).

اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه استوار بر مجموعه‌ای بهم پیوسته از تقابل‌ها و تعامل‌ها و واگرایی و هم‌گرایی، بر پایه اصول اسلام انقلابی و ایستارهای انقلاب اسلامی است. گفتمان سیاست بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، استوار بر خودآگاهی مستضعفان جهان در نبرد با مستکبران بود. آرزوی ایشان ساختن حکومتی برای پابرهنگان، حکومت اسلامی و حزب مستضعفان بود (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۱۸). ایشان در کتاب *ولایت فقیه* به این امر توجه نموده و نجات مظلومان را از وظایف علماء برمی‌شمردند:

لزوم نجات مردم مظلوم و محروم از وظایف و تکالیف الهی مسلمین و به خصوص علما می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۵ش: ۵).

حمایت از مستضعفان جهان را می‌توان در راستای اصل تألیف قلوب و تمایل مستضعفان عالم به اسلام مورد بحث قرار داد (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۸ش: ۲۱۹). خط مشی اساسی در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه نیز از تعالیم سیاسی قرآن کریم نشأت گرفته است. از ویژگی‌های بارز اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، تلاش در جهت وارد کردن مفاهیم قرآنی و اسلامی در ادبیات سیاسی مسئولان و دولت‌مردان نظام اسلامی بود. واژه استکبار از جمله واژه‌هایی است که به طور عملی در این ادبیات وارد گردید. گفتمان استکبارستیزی امام خمینی رحمته الله علیه موفق به هدایت و شکل‌دهی فضای گفتمانی انقلاب اسلامی، در راستای مبارزه با امریکا به عنوان سمبل استکبار و تقویت روند بیداری اسلامی در این باره شد (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۱ش: ۱۸۹).

۳. حیات و سعادت اخروی انسان

سعادت به عنوان غایت اندیشه سیاسی در اسلام همواره مورد توجه متفکران اسلامی بوده

است: چنان که پیوند میان سعادت و سیاست به خوبی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه نمایان شده و ایشان با قرائت جدیدی که از اندیشه سیاسی اسلام داشت، به خوبی توانست سیاست را در خدمت سعادت جامعه به کار گیرد (میرعابدینی و گودرزی، ۱۳۹۲ش: ۶).

حضرت امام رحمته الله علیه سعادت را این گونه تعریف می کنند:

بنابر اصالت وجود، در دار تحقق جز وجود، چیزی نیست و آنچه به نظر انسان بیاید و خیال تحقق آن را بنماید، اگر متخیل غیر وجود باشد، متن واقعی از آن خالی است. هرچند در متن واقع متحقق است، چیزی غیر از وجود نیست. پس سعادت و شقاوت امری است که اگر حقیقت و تحقق داشته باشد، باید عین حقیقت وجود باشد و سعادت همان لذت دریافتن است در جایی که قوه ادراکیه، شی لذیذ و مطابق طبعش را بیابد (اردبیلی، ۱۳۸۱ش: ۳، ۴۴۹).

با این تعریف سعادت برای انسان در دو مرتبه معنا پیدا می کند: یکی مرتبه شهادت و بدن است که در حقیقت همان سعادت قوا و حواس ظاهره است؛ مرتبه دوم: سعادت در مراتب بالاتر از قوای حسیه که قوای وهم، خیال و عقل را هم شامل می شود (میرعابدینی و گودرزی، ۱۳۹۲ش: ۱۴).

امام خمینی رحمته الله علیه نسبت به دین، دیدگاه جامعه گرایانه داشته و اندیشه سیاسی وی با دو دیدگاه تفسیر دنیا گرایانه و آخرت گرایانه از دین فاصله دارد. براساس تفسیر دنیا گرایانه از دین که با فلسفه مشائیون همراه است فلسفه بعثت و کارکردهای دین در تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قواعد حیات جمعی خلاصه می شود. ولی این قواعد و قوانین از نقص و کاستی برخوردار است و در تدوین قواعد و قوانین بیشتر منافع فردی و گروهی مدنظر می باشد و تنها قوانینی می تواند از این خصیصه مبرا باشد که از سرچشمه وحی برآمده باشد. در مقابل تفسیر اخروی گرایانه بر آن است که تنها نقش و کارکرد بی بدیل دین تأمین سعادت اخروی است و بعثت پیامبران در نجات اخروی افراد خلاصه می شود و دین برای اداره جامعه هیچ طرح و برنامه ای ندارد. این دیدگاه همان جوهره سکولاریسم به شمار می رود. امام خمینی رحمته الله علیه در مقابل این دیدگاه تأکید می کند که سعادت دنیوی از راه دنیا بسترسازی می شود. به عبارت دیگر دنیا و آخرت به هم وابسته اند و سعادت و نجات اخروی تنها در پرتو انجام وظایف دنیوی و ایفای نقش اجتماعی میسر می باشد.

امام خمینی رحمته الله علیه در بیان دلیل عدم جدایی دین از سیاست؛ حیات و سعادت اخروی انسان را با چگونگی حیات او در دنیا مرتبط می داند. از دیدگاه ایشان این هر دو در ارتباط و در ادامه

یکدیگرند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲ ش: ۴۵) و می‌فرمایند:

گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای این که این دنیا را اداره کند، یا آمده است برای این که مردم را متوجه آخرت کند، یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهی بکند. محدود کردن هرچه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیرمحدود است و مربی انسان هم غیرمحدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیرمحدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت و ماده است و نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرد است، همه چیز است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱۲، ۴۲۲).

در حقیقت سعادت به عنوان غایت بشری بر دو رکن اصلی تفسیر انسان از خود (انسان‌شناسی) و تفسیر انسان از جهان پیرامونش (هستی‌شناسی) استوار است. بر همین مبنا مکاتب و جوامعی که مبنای معرفتی ضعیفی دارند، نتوانسته‌اند تبیین دقیق و درستی از سعادت انسان بدهند. در نتیجه زندگی تا حد زیادی ارزش خود را از دست داده است. اما از دیدگاه مکاتب و افرادی که نظام معرفتی معقول دارند سعادت در زندگی فردی و اجتماعی به خوبی تبیین شده است (میرعابدینی و گودرزی، ۱۳۹۲ ش: ۸). اگر سعادت را هدف نهایی انسان تلقی کنیم، از آنجایی که آزادی نبودن مانع است، ارزش درجه اول نخواهد بود و حتی عواملی چون فرهنگ و تعلیم و تربیت و امنیت از آن مهم‌تر خواهد بود. اگر در مقام نظر این‌گونه است، در مقام عمل آزادی برای افراد در مقام عمل ارزش درجه دوم دارد. زیرا در طول تاریخ انسان‌ها از این موهبت کمتر برخوردار بوده‌اند. به بیان دیگر آزادی برای آنها حکم کیمیا را داشته است (عباسی و قائمی‌نیا، ۱۳۸۹ ش: ۱۰۰).

۴. همزیستی مسالمت‌آمیز

طبیعت انسان به گونه‌ای است که به صورت گروهی و جمعی زندگی می‌کند و دارای روح جمعی^۱ است. از سوی دیگر در یک زندگی جمعی تنازع امری است طبیعی و هرگز نمی‌توان آن را انکار کرد. از این رو بایستی حدود و اختیارات هر کس را در جامعه مشخص ساخت و اساسا این امر نیازمند قواعد و قوانینی است که حق و حقوق هر کس را در جامعه مشخص کند. از طرفی این قواعد و قوانین بر روی کاغذ ثبت و ضبط است و مجموع آنها برای جامعه کافی نیست بلکه احتیاج به نیرویی دارد که از آن محافظت نماید و در جهت اجرای کامل آن تلاش کند و با اعمال آن از منازعات جلوگیری کند و آن همان نیروی سیاست و حکومت

1. Collective spirit

است (درخشه و نجاتی، ۱۳۹۴ش: ۲۵). در اندیشه امام خمینی علیه السلام آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۸، ۹۵). ایشان به عنوان ایدئولوگ^۱ انقلاب و نظام مذهبی، همواره از علاقه و اشتیاق خود به همزیستی مسالمت‌آمیز مردم در سراسر گیتی سخن می‌گوید:

من از خدا می‌خواهم که به همه دنیا سلامت و به همه دنیا، به کسانی که مظلوم هستند قدرت و سلامت عنایت کند که همه همزیستی داشته باشند، همزیستی مسالمت‌آمیز با هم داشته باشند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۸، ۳۲۴).

امام خمینی علیه السلام ابتدا مسلمانان را با تکیه بر وحدت، کتاب و سنت؛ سپس عقلای عالم را با تکیه بر استدلال و خردگرایی خود و در نهایت مستضعفان جهان را با توجه به موضع گیری‌های سیاسی در مقابل مداخله‌گری‌ها و چپاول‌های قدرت‌های بزرگ مورد خطاب قرار داده و بر مسالمت‌آمیز بودن روابط میان آنها تأکید داشتند (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۱ش: ۱۸۶). در گفتمان امام خمینی علیه السلام اسلام سیاسی به عنوان یک منبع اعتباربخش جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و با شعار «اسلام راه حل است» تزئین شده است. ایشان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرد و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌داند (احتشامی، ۱۳۸۱ش: ۲۴۹). از سوی دیگر امام در برقراری روابط با کشورهای دیگر بر مشترکات تأکید داشتند. این امر در واقع برگرفته از سیره نبوی و دیپلماسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که همواره به سفرا و نمایندگان خود در خارج از بلاد اسلامی توصیه می‌کردند که بر سر مشترکات خود با سایر ملل تأکید کنند. علاوه بر این حضرت امام خمینی علیه السلام در زمینه ضرورت روابط صلح‌آمیز و مسالمت‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب معتقد به ایجاد روابط بر پایه مبانی اسلامی و انسانی بودند. چنانچه از نظر امام باید روابط بین ملت‌ها بر پایه مسائل معنوی باشد و در این رابطه بعد مسافت تأثیری ندارد و چه بسا کشورهایی که همجوار هستند، اما روابط معنوی بین آنها نیست (جاودانی مقدم، ۱۳۸۷ش: ۱۷).

۵. وحدت امت اسلامی

در گفتمان امام خمینی علیه السلام مسلمانان امت واحده‌ای را تشکیل می‌دهند که مرز میان آنها جعلی و ساخته دست دشمنان خارجی اسلام است ایشان با ملی‌گرایی افراطی و صرف، مخالف

1. Ideologue

بود چرا باعث شکست جهان اسلام می‌شد و این امر باید مورد توجه باشد که منافع و اعتلای جهان اسلام باید سیاست‌های دولت‌های اسلامی را تعیین کند، نه صرفاً منافع ملی (رمضانی، ۱۳۸۶ ش: ۶۰). امام همه چیز را از زاویه اسلام می‌نگریست چنانچه در کلام وی، واژه اسلام بدون احتساب مشتقاتش (۱۹۱۱۹) بار به کار رفته است؛ در حالی که واژه دموکراسی^۱ (۸۹) بار و واژه آزادی^۲ - که لزوماً به معنای سیاسی آن هم نیست (۱۹۶۰) - مرتبه استعمال شده است. با نگاهی اجمالی به بیانات حضرت امام رحمته‌الله علیه می‌توان ادعا کرد که در اغلب سخنرانی‌های ایشان کلمه اسلام ذکر گردیده است (سلمانیان، ۱۳۸۹ ش: ۱۷۳):

اسلام یک امت واحد است و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که با هم متحد باشند و همه زیر پرچم توحید، متحد‌الکلمه با کسانی که برخلاف اسلام هستند، مقابله کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱، ۴۸۵).

ایشان اظهار می‌کنند که قدرت اسلام در توانایی‌اش در یکپارچه کردن مسلمانان و حفظ آنان از بی‌عدالتی نهفته است. بنابراین همبستگی^۳ دینی، سیاسی و فرهنگی همه مسلمانان فقط با تسلیم شدن به عنوان تنها سرچشمه اقتدار سیاسی و اخلاقی قابل دستیابی است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴ ش: ۲۰). وحدت نه تنها هدف مبارزه بلکه موجب پیروزی در مبارزه نیز می‌گردد (جمشیدی، ۱۳۸۴ ش: ۴۱۷). در این راستا ایشان به شدت تلاش می‌نمودند تا از اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی جلوگیری کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ۳۸۴).

امام خمینی رحمته‌الله علیه درد بزرگ جوامع اسلامی را جدا شدن از احکام مترقی اسلام و تفرقه می‌داند؛ درمان را نیز در بازگشت به اسلام ناب و وحدت مسلمین و دولت‌های اسلامی می‌داند (حسینی فر، ۱۳۸۸ ش: ۲۸۰). امام خمینی رحمته‌الله علیه بر ایجاد امت اسلامی براساس تقریب‌گرایی^۴ فارغ از قومیت،^۵ نژاد^۶ و جهت‌گرایی سیاسی و فرهنگی تأکید داشتند. ایشان دستیابی به تمدن اسلامی را به عنوان چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در کشورهای مختلف می‌دانستند و معتقد بودند روابط کشورهای اسلامی، اگر معطوف به اشتراک عقیده و وحدت

1. Democracy
2. liberty
3. cohesion
4. Approximation
5. Ethnicity
6. race

کلمه باشد، راه نوسازی تمدن اسلامی هموار می‌گردد (زمانی محبوب، ۱۳۹۵ش: ۱۴۹). از نظر ایشان وحدت کلمه کلید رهایی از سلطه استکبار جهانی است. زیرا تنها در سایه وجود تفرقه و اختلاف در بین مسلمین است که قدرت‌های سلطه طلب، امکان سلطه بر کشورهای اسلامی را می‌یابند. ایشان در این زمینه بارها با تأکید بر نمونه‌های عینی توطئه‌های اجانب مانند تقسیم دولت بزرگ عثمانی و یا اشغال فلسطین و تداوم آن، دولت‌های اسلامی را مورد خطاب قرار می‌دادند و می‌فرمودند که دولت‌های اسلامی باید از آن عبرت بگیرند و بدانند که رمز پیروزی دولت‌ها، وحدت کلمه و رفع اختلاف است.

۶. تمدن نوین اسلامی (حکومت دینی)

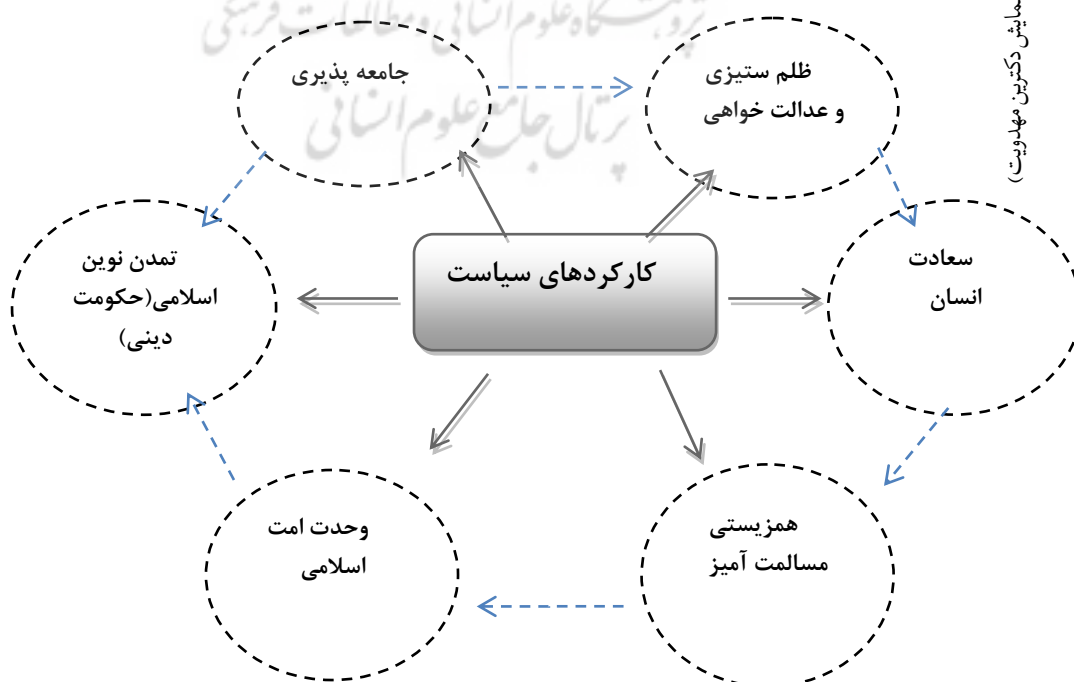
در اندیشه امام، مفهوم تمدن^۱ در قالب يك تعريف مشخص و ثابتی ارائه نشده است. از بررسی کلمات ایشان استنباط می‌شود که مقصود ایشان از تمدن، پیشرفت و ترقی است که تعالی مادی و معنوی انسان را در پی داشته است که در سایه تشکیل حکومت دینی تحقق می‌یابد. به نظر امام خمینی رحمته الله علیه تمدن اسلامی میراث مشترك مردم و ملت‌هایی است که روزگاری به اسلام گرویدند و در ساخت و شکوفایی آن نقش ایفا کردند. بدین ترتیب تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدن ملی است که به گروه خاصی تعلق داشته باشد بلکه تمدنی است گسترده که همه گروه‌های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق، گسترش و نفوذ آن در دوران شکوفایی نقش داشته‌اند، را در برمی‌گیرد. افول تمدن اسلامی وابسته به يك عامل نبوده است؛ بلکه عوامل مختلفی در آن دخیل بوده است که برخی از آنها عبارتند از: «گرایش‌های جاهلی، عوام‌فریبی، زمام‌داران خودسر، برداشت نادرست از مفاهیم دینی، تفرقه و...» (وفا و زمانی محبوب، ۱۳۸۹ش: ۸۱). ولی بی‌شک مهم‌ترین عامل فرسایش تمدن اسلامی، دوری و بی‌خبری آنان از مفاهیم حیات‌بخش اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ۴۸).

یکی از پیامدهای ناگوار هیبوط تمدنی مسلمانان، سلطه جهان غرب بر جهان اسلام و استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام است. از نظر امام خمینی رحمته الله علیه در دو سه قرن اخیر استعمارگران در تحریف و انحراف مسلمانان از اسلام اصیل نقش اساسی داشتند. یکی از بزرگ‌ترین تحریفات دشمنان، تبلیغ و الغای جدایی دین از سیاست و کنار نهادن علمای اسلام از دخالت در امور اجتماعی و سیاسی است که نتیجه آن تسلط استعمارگران بر

1.civilization

جوامع اسلامی و غارت سرزمین‌های اسلامی است. حضرت امام علیه السلام معتقد بود که حکومت اسلامی که رهبران آن را علمای اسلام تشکیل دهند، می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه را برای رشد و شکوفایی تمدن اسلامی فراهم کنند (زمانی محبوب، ۱۳۹۵ ش: ۱۴۰). امام خمینی علیه السلام معتقد است که مسلمانان برای رسیدن به عزت و عظمت خود به این باور (جدایی ناپذیری دین از سیاست) برسند. ایشان بر مبنای همین اندیشه، تأسیس حکومت اسلامی را از اهداف اساسی دین اسلام برشمردند و تز جدایی دین از سیاست را برنامه استعمار و معاندان و دشمنان اسلام، به دلیل ترس از استقرار حکومت دینی مبتنی بر اسلام می‌دانستند. به عقیده ایشان استعمارگران چپاول‌گر، از آن‌جا که اسلام را سد راه منافع مادی و قدرت سیاسی خود می‌دانستند به تحریف اسلام دست زدند و با وسایل گوناگون تبلیغ کردند که دین مسئله‌ای فردی است و نباید در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی داخل شود (همان: ۱۴۳).

در مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام، حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه، برآورده‌کننده نیاز انسان معاصر و نفی‌کننده مکاتب مدعی تمدن است؛ چرا که ایشان معتقد بود: ماهیت و کیفیت قوانین مترقی اسلام برای تکوین یک دولت و اداره سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه تشریح شده است و هر کشوری که به قوانین عمل کند رو به پیشرفت و تمدن (مادی و معنوی) خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۲۱، ۴۸). از آن‌جایی که هویت تاریخی و فرهنگی این تمدن بر پذیرش نقش دین در عرصه حیات اجتماعی دلالت داشت و این وجه اجتماعی دین، در گستره تمدن جدید غرب و در جریان نفوذ آن در بستر اجتماعی جامعه ایرانی مغفول مانده بود، لذا مهم‌ترین هدف انقلاب، احیای دین و ارائه الگوی دین‌شناسانه از نظام اجتماعی به عنوان تمدن نوین اسلامی بود (دادفر، ۱۳۸۱ ش: ۱۳۰).



نتیجه‌گیری

می‌توان گفت که امام خمینی رحمته‌الله علیه فلسفه و کلام و عرفان را با هم درآمیخته و به مانند ملاصدرا، روش‌های مختلف فکری؛ یعنی فلسفی - مشائی، شهود، اشراق، عرفان باطنی، فقه و اصول را با هم ترکیب کرده و در پرتو این معارف، به سیاست‌مداری آگاه و آشنا به مسائل زمان و رهبری بی‌نظیر برای مسلمانان و شیعیان مبدل شدند (موثقی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۵). تأکید بر جامعیت دین با ابعاد فراگیری که در این مقاله ذکر شده، نمایانگر منشور نظری و عملی امام در راستای حاکمیت دینی است. نگرش امام به سیاست و اندیشه سیاسی ایشان باعث شد تا نوع نگاه به مفهوم و کارکرد سیاست در میان مردم مسلمان و حتی اندیشمندان اسلامی تغییر کند و شعائر دینی و مذهبی را آموزه‌ای از دین و سیاست بدانند. در سیره سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه گزاره‌های اصولی وجود دارد که به گونه اجمالی مورد بررسی قرار گرفت که همه آنها حول محور اسلام قرار داشته است. دغدغه اصلی امام حرکت به سوی حکومت دینی با الگوگیری از سیره انبیای الهی و معصومین علیهم‌السلام بود و لذا از آغاز تا فرجام زندگی سیاسی خود را در مسیر پیوند دیانت و سیاست مشی نمود.

منابع

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۱ش)، «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»، ترجمه: محسن اسلامی، فصل‌نامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۲. اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱ش)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۳. ارسطو (۱۳۷۸ش)، *سیاست*، ترجمه: حمید عنایت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. اسدی، ناصر؛ قنواتی، نگار؛ رضایی پناه، امیر (۱۳۹۴ش)، «چارچوبی تحلیلی برای بررسی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی رحمته‌الله علیه (ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی)»، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲.
۵. افروغ، عماد (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر رابطه اخلاق و سیاست؛ نقدی بر ماکیاولیسم*، تهران: انتشارات سوره مهر.

۶. اکبری معلم، علی (۱۳۹۴ش)، «شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه» (در سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی)، فصل‌نامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
۷. آرون، ریمون (۱۳۶۶ش)، *مراحل سیاسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: سازمان نشر آموزش انقلاب اسلامی.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۳ش)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، اندیشه‌های مارکسیستی*، تهران: نشر نی.
۹. بهداروندیانی، غلامرضا (۱۳۸۹ش)، «رهیافت‌های مختلف پیرامون اندیشه سیاسی در اسلام»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۱.
۱۰. پارسانیا، حمید (۱۳۸۳ش)، *علم و فلسفه*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶ش)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: نشر سمت.
۱۲. جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۷ش)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
۱۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹ش)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴ش)، *اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. حسینی فر، رضا (۱۳۸۸ش)، *امام خمینی و موج بیداری اسلامی*، قم: معارف.
۱۶. دادفر، مرگان (۱۳۸۱ش)، «انقلاب اسلامی و رویکرد معنوی به جهان سیاسی»، فصل‌نامه پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۲.
۱۷. درخشه، جلال؛ نجاتی، حمزه (۱۳۹۴ش)، «مقایسه تطبیقی آراء و اندیشه‌های سیدقطب و امام خمینی رحمته‌الله‌علیه پیرامون حکومت اسلامی»، فصل‌نامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۱۵.
۱۸. درویشی، فرهاد (۱۳۸۹ش)، «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی رحمته‌الله‌علیه»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۳.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸ش)، *مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه*، تهران: خانه اندیشه جوان.

۲۰. دوورژه، موریس (۱۳۴۹ش)، *اصول علم سیاست*، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۲۱. راسل، برتراند (۱۳۶۷ش)، *قدرت*، ترجمه: نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲۲. رضانی، روح‌الله (۱۳۸۶ش)، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲۳. زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۵ش)، «بایسته‌ای سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال چهارم، شماره ۹.
۲۴. سلحشوری، احمد؛ یداللهی، محمدجواد؛ خنکدار طارسی، معصومه (۱۳۹۱ش)، «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۵.
۲۵. سلمان، محمد (۱۳۹۰ش)، *اندیشه سیاسی ابن رشد*، قم: بوستان کتاب.
۲۶. سلمانیان، حسنعلی (۱۳۸۹ش)، «جستاری در سیره سیاسی امام خمینی علیه السلام»، *فصل‌نامه حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
۲۷. شیرخانی، علی؛ سبزی، داوود (۱۳۹۵ش)، «دانش سیاسی در منظومه فکری امام خمینی علیه السلام»، *سپهر سیاست*، سال سوم، شماره ۸.
۲۸. صالحی، اکبر؛ یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷ش)، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر اهداف و روش‌های تربیتی»، *فصل‌نامه تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره ۷.
۲۹. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱ش)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
۳۰. عباسی، ولی‌الله؛ قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش)، «استاد شهید مطهری؛ مؤسس کلام جدید شیعی»، *معرفت کلامی*، سال اول، شماره چهارم.
۳۱. عبدالحمید، ابوالحمد (۱۳۶۵ش)، *مبانی سیاست*، تهران: توس.
۳۲. عنایت، حمید (۱۳۷۷ش)، *نهاد و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*، تهران: انتشارات روزنه.
۳۳. غفاری، زاهد؛ علیزاده، قدسی (۱۳۹۱ش)، «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام»، *فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال اول، شماره اول.
۳۴. فوزیتویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴ش)، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، قم: نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۳۵. فوزیتویسرکانی، یحیی (۱۳۸۸ش)، *اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه*، قم: دفتر نشر معارف.
۳۶. فیرحی، داوود (۱۳۸۳)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: انتشارات سمت.
۳۷. گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام ال (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: مازیار.
۳۸. لکزایی، نجف (۱۳۸۴ش)، *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه*، تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
۳۹. معین، محمد (۱۳۷۲ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: گلرنگ یکتا.
۴۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸ش)، *وصیت‌نامه الهی و سیاسی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / سازمان چاپ و انتشارات.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲)، *آداب الصلاة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، شانزدهم.
۴۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
۴۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱ش)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۶. مؤثقی، سیداحمد (۱۳۸۷ش)، *دین و جامعه و دولت در ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۴۷. میرعابدینی، سیدمهدی؛ گودرزی رئوف، هادی (۱۳۹۲ش)، «نظریه سعادت و جایگاه سیاست در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه»، *فصل‌نامه افق امنیت*، سال ششم، شماره ۲۲.
۴۸. میرعباسی، حمید (۱۳۹۴ش)، «جامعه‌پذیری دینی وقف و نقش رسانه در آن»، *مجموعه مقالات کنگره ملی وقف حماسه اقتصادی و سبک زندگی اسلامی*.

۴۹. وفا، جعفر؛ زمانی محبوب، حبیب (۱۳۸۹ش)، تأملی بر عوامل پیشرفت و انحطاط مسلمانان، قم: زمزم هدایت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی